# چالش‌های تأثیرگذاری داده‌باز کدم‌اند؟

موفقیت یک پروژه توسط موانع و چالش‌های پیش روی آن تعیین می‌شود. چالشها خود حاصل عملکرد متغیرهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متعدد هستند. علاوه بر این، ممکن است برخی از مناطق نسبت به سایر مناطق با موانع بیشتری مواجه باشند.



مشابه آنچه برای شرایط اجرایی گفتیم، دریافتیم که تحلیل چالش‌های ما از تنوع جغرافیایی و بخشی گسترده‌ای برخوردار است. به‌طورکلی، چهار چالشی که در تمام ۱۹ مطالعه موردی ما غالب بود را مشخص کردیم:

## آمادگی

شاید جای تعجب نباشد که کشورها و یا مناطقی که ظرفیت فنی و انسانی و یا آمادگی اندکی دارند اغلب محیط‌های نامساعدی برای پروژه‌های داده‌باز محسوب میشوند. متغیرهایی همچون پایین بودن ضریب نفوذ اینترنت، شکاف دیجیتالی گسترده، یا به‌طورکلی سواد فنی ضعیف ناشی از عدم ظرفیت‌های فنی است. علاوه بر این، آمادگی فنی را می‌توان باوجود گروهی از افراد و یا اشخاصی شناسایی نمود که ازلحاظ فنی باتجربه هستند و به پتانسیل تغییرپذیری تکنولوژی، به‌ویژه داده‌باز اعتقاددارند. بارها چنین ”قهرمانان داده “ یا ”مبلغان فناوری “ را دیده‌ایم که نقش مهمی در تضمین موفقیت پروژه ‌ایفا میکنند.

ظرفیت‌های فنی پایین لزوماً منجر به ”شکست “ آشکار پروژه نشدند. درازای آن، اغلب مانع از رشد بالقوه پروژه شدند و تأثیر و موفقیت آن را کمتر از حد انتظار کردند. در تانزانیا، به‌عنوان‌مثال، داشبورد داده آموزشی باز و شول به دلیل پایین بودن ضریب نفوذ اینترنت و آگاهی عمومی در مورد داده‌باز محدودشده بود. بااینکه ثبت مرکزی اسلواکی در بسیاری جهات بسیار موفق بود اما درعین‌حال، کمبود ظرفیت فنی در میان مقامات دولتی و دیگران (به‌ویژه در سطح پایین‌تر) باعث محدودیت آن شده بود. در این پروژه و پروژه‌های دیگر موفقیت کسب‌شده نسبی است و می‌توان با توجه بیشتر به محیط‌زیست یا زیست‌بوم فنی موفقیت موفق‌ترین پروژه را نیز افزایش داد.

فرض 5: عدم آمادگی یا نداشتن ظرفیت در هر دو عرصه عرضه و تقاضا داده‌باز مانع تأثیرگذاری آن میگردد.

## پاسخگویی

هنگامی‌که پروژه‌ها نسبت به بازخورد و نیاز کاربر بی‌توجه باشند موفقیت آن‌ها نیز محدود خواهد شد. همان‌طور که در بخش قبل دیدیم، موفق‌ترین پروژه‌ها به یک نیاز مشخص که به‌خوبی تعریف‌شده میپردازند. یک نتیجه فرعی حاصل از این یافته این است که حامیان و مدیران پروژه می‌بایست خود را با نیازهای کاربر وفق دهند؛ برای به رسمیت شناختن و انطباق با خواسته‌های کاربران خود، به‌اندازه کافی انعطاف‌پذیرباشند.

به‌عنوان‌مثال برای پروژه OpenAid سوئد، در ابتدای کار، تجربه کاربر یک اولویت نبود و بسیاری از اطلاعات موجود در سایت برای اکثر شهروندان بیش‌ازحد پیچیده بود. باوجوداین مانع قوی برای ورود، سایت تنها فرصتهای تعامل محدود - یعنی، دکمه‌ای برای گزارش اشکالات در سایت را ارائه می‌کند. علاوه بر این، عنوان‌های پروژه موجود در این سایت معمولاً دارای اصطلاحات رمزی هستند که تفسیر آن‌ها تنها برای کسانی ممکن است که با پروژه آشنایی کامل دارند.

از سوی دیگر، در میان تمام مطالعات موردی بررسی‌شده در اینجا، NOAA کامل‌ترین و گسترده‌ترین تلاش‌های داده را انجام داده است؛ اما با توجه وسعت آن، برای اینکه اطلاعات ضروری این سازمان همچنان برای نیازهای در حال تکامل کاربران مفید واقع شود، می‌بایست بر تجزیه‌وتحلیل مشتری و رفتار کاربران تمرکز بیشتری صورت گیرد. سازمان نقشه‌برداری ملی بریتانیا تجزیه‌وتحلیل کاملی از کاربران دارد و رضایت مشتری را در اولویت قرار میدهد؛ بااین‌حال، جدایی داده‌باز OS از دیگر مجموعه داده‌ها و محصولات آن محدودیتی بالقوه برایش ایجاد کرده است.

فرض 6: چنانچه انتشار داده‌باز با پاسخگویی و اجرای نگرش‌ها همراه باشد تأثیر آن می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی افزایش یابد.

## خطرات

یک چالش عمده، از تبادل میان پتانسیل داده‌باز و خطرات ناشی از نقض حریم خصوصی و امنیت حاصل می‌شود. این خطرات برای هر پروژه داده‌باز ذاتی هستند – بنا بر ماهیت آن، شفافیت بیشتر مستلزم تنش بیشتر در حریم خصوصی و امنیت است. هنگامی‌که یک ابتکار عمل نتواند به کاهش این تنش کمک کند، خطرات ناشی از آن نه‌تنها به چشم‌اندازهای آن آسیب می‌رساند بلکه به‌طور گسترده اعتبار داده‌باز را به‌طورکلی زیر سؤال می‌برد.

نگرانی در مورد حریم خصوصی و امنیت گریبان گیر بسیاری از پروژه‌های موردمطالعه بود. در برزیل، بیش از 100 اقدام قانونی علیه پورتال شفافیت بودجه باز که در آن سهواً حقوق کارمندان دولتی منتشرشده بود صورت گرفت. در نیویورک، باوجود اقدامات انجام‌شده برای کاهش چنین آسیب‌هایی، شهروندان با جمع‌آوری داده برای این پروژه توسط دوربین‌ها در فضاهای عمومی نگران نقض حریم خصوصی خود هستند. بدون شک، آشکارترین نمونه داده‌باز که منجر به نگرانی‌ها در مورد حریم خصوصی (و حتی نقض کامل آن) شد را می‌توان در مطالعه موردی Eightmaps مشاهده نمود که با استفاده از قوانین افشای مالی کمپین دولت اقدام به انتشار اطلاعات شناسایی و آدرس منزل کمک‌کنندگان به قانون 8 کالیفرنیا نمود که منجر به بروز تهدید و آزار اذیت شد.

مطالعات موردی ما نشان می‌دهد که میتوان دامنه نقض حریم خصوصی و امنیت را برای تمام نگرانیهای واقعی - و مشروع - کاهش داد. به‌عنوان‌مثال، NOAA نمونه برجسته‌ای است که یک بخش امنیت سایبری را ایجاد کرده که به چالش‌های امنیتی داده هنگام جمع‌آوری و انتشار آن اختصاص داده‌شده است (تنها موردی در میان 19 مطالعه مورد ما که دارای چنین بخشی است). سنگاپور نیز برای محافظت از حریم خصوصی شهروندان اقدامات پیشگیرانهای جهت بینام گذاشتن داده انجام داده است. مقابله با خطرات حوزه حریم خصوصی و امنیت علاوه بر اهمیت می‌تواند علیه اهداف باز بودن و شفافیت نیز عمل کند- برای مثال، در شهر زینس ویل، اهایو که نگرانی‌های امنیتی (بحث‌برانگیز) منجر به محدود کردن دسترسی به اطلاعاتی شده است که برای بررسی نقض حقوق مدنی طی چندین دهه ضروری هستند. این نمونه‌ها یک یادآوری مهم از تنش‌های موجود میان باز بودن و امنیت/ حریم خصوصی و نیاز به‌دقت، سیاست‌گذاری عاقلانه برای رسیدن به تعادل است.

فرض 7: داده‌باز مجموعه خطرات خاصی را مطرح میکند، به‌ویژه مسائل مربوط به حریم خصوصی و امنیت؛ درک دقیق‌تر و بیشتر این خطرات برای رسیدگی و کاهش آن‌ها ضروری خواهد بود.

## تخصیص منابع

درنهایت، دریافتیم که تخصیص منابع ناکافی یکی از شایع‌ترین دلایل موفقیت محدود یا شکست آشکار پروژه‌ها بود. بسیاری از پروژه‌های موردمطالعه ما ” قابلیت هک شدن “ را داشتند - اغلب این پروژه‌ها به‌راحتی با یک بودجه محدود، توسط داوطلبان آرمان‌گرا ایجادشده بودند. برای مثال، پروژه محافظت از انتخابات اندونزی، تنها با صرف 54 دلار جمع‌آوری‌شده بود. هرچند باگذشت زمان، پروژه برای موفقیت نیاز به منابع دارند؛ اما ممکن است در پشت ایدئالیست‌های حامی (و ارزان)، ظاهر شوند و با حمایت مالی واقعی گسترش و توسعه یابند.

موفقیت محدود Open Duka مثال خوبی است. بااینکه این پروژه به‌خوبی درک شده و بر اساس یک فرض درست استوار بود اما با تلاش‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای در زمینه جمع‌آوری داده محدودشده است. قطعاً منابع بیشتری به بروز چالش کمک کرده‌اند. علاوه بر این، مهورا توو اسکوئلا مکزیک تنها پروژه‌ای است که برای کار خورد به بودجه خیریه متکی است- که به پاره‌ای عدم اطمینان در مورد پایداری طولانی‌مدت این‌گونه پروژه‌ها در صورت قطع هر یک از جریانهای بودجه منجر میشود. همزمان، سازمان نقشه‌برداری ملی بریتانیا که ملزم به تأمین بودجه خود است نهاد را شدیداً به تکیه‌بر پرداخت مشتریان بخش خصوصی برای دسترسی به محصولات داده‌ای کاملی که در OS وجود ندارد، مجبور میکند.

حتی یک طرح مهم مانند GPS که به‌طور گسترده مورداستفاده قرار میگیرد چالش‌های بودجه‌ای را تجربه میکند. در فضای حاکمیتی که بر کاهش بودجه در هر گوشه تمرکز دارد، تأمین مالی ویژگی‌ها و قابلیت‌های جدید و حتی برای یک ”خدمات شهری عمومی “ از طریق پول مردم میتواند دشوار باشد.

فرض 8: درحالی‌که میتوان پروژه‌های داده‌باز را ارزان راه‌اندازی کرد، پروژه‌هایی که کمک‌های مالی سخاوتمندانه، پایدار و دلسوزانهای دریافت میکنند شانس بهتری برای موفقیت میان‌مدت و بلندمدت دارند.

## مسیر عرضه در برابر تقاضا

در بررسی روش‌هایی که داده‌های بازشده را در دسترس قرار می‌دهند، ما به مسیرهایی رسیده‌ایم که به این بستگی دارد که آیا داده‌ها از سوی دولت یا کاربران در جامعه مدنی عرضه‌شده‌اند یا به‌صورت عمومی از نهادهایی که تمایلی به این کار نداشته‌اند استخراج‌شده‌اند. جالب‌توجه اینکه دریافتیم هدف پایانی ایده‌آل در مسیر جمع‌آوری و عرضه داده‌باز یکی است: همکاری بیشتر میان دارندگان و کاربران داده.

### مسیر عرضه داده‌باز

* **انتشار داده-** به‌راحتی برخی از داده‌ها در دسترس قرار می‌گیرند
* **باز بودن به‌صورت پیش‌فرض -** ایجاد زیرساخت‌ها و فرآیندهای موردنیاز برای انتشار مداوم و خودکار داده
* **همکاری بر پایه تقاضا -** کار با کاربران برای در دسترس قرار دادن مفیدترین داده‌ها به سودمندترین روش‌ها

### مسیر جمع‌آوری داده‌ها

* **حسابرسی داده‌ها و شناسایی شکاف** - ارزیابی خارج از جایی که داده‌ها در صورت در دسترس قرار گرفتن می‌توانند تأثیرگذار باشند.
* **ایجاد و تقاضا -** کاربران داده از طریق بررسی، تقاضای آزادی اطلاعات، درز داده و یا روش‌های دیگر راه‌هایی برای به دسترسی به داده دولتی، بدون دخالت مستقیم (و اغلب بدون اجازه) در نهادهای دارای دادهپیدا میکنند.
* **همکاری -** همکاری با دولت برای در نظر گرفتن استراتژی‌هایی برای انتشار تأثیرگذار داده

## هشت فرضی که تأثیر داده‌باز را تعیین می‌کنند

**فرض ۱:** واسطه‌ها و داده مشترک امکان افزایش تطبیق عرضه و تقاضا را فراهم می‌سازند**.**

**فرض ۲:** توسعه داده‌باز به‌عنوان یک زیرساخت عمومی که تأثیری بیشتری در تمامی مسائل و بخشها به همراه دارد.

**فرض ۳:** سیاست‌های روشن در مورد داده‌باز، ازجمله ترویج ارزیابی منظم پروژه‌های داده‌باز که شرایط لازم برای موفقیت را فراهم می‌سازد.

**فرض ۴**: طرح‌های داده‌باز که هدف یا بیان مسئله روشنی دارند بیشتر تأثیرگذار خواهند بود.

**فرض ۵:** عدم آمادگی یا نداشتن ظرفیت در هر دو عرصه عرضه و تقاضا داده‌باز مانع تأثیرگذاری آن می‌گردد.

**فرض ۶:** چنانچه انتشار داده‌باز با پاسخگویی و اجرای نگرش‌ها همراه باشد تأثیر آن می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی افزایش یابد.

**فرض ۷:** داده‌باز مجموعه خطرات خاصی را مطرح میکند، به‌ویژه مسائل مربوط به حریم خصوصی و امنیت؛ درک دقیق‌تر و بیشتر این خطرات برای رسیدگی و کاهش آن‌ها ضروری خواهد بود.

**فرض ۸:** درحالی‌که میتوان پروژه‌های داده‌باز را ارزان راه‌اندازی کرد، پروژه‌هایی که کمک‌های مالی سخاوتمندانه، پایدار و دلسوزانهای دریافت می‌کنند شانس بهتری برای موفقیت میان‌مدت و بلندمدت دارند.